

شناسایی و بررسی اختلالات رفتاری دانش آموزان نابینا- اوتیسم دوره ابتدایی زهره نجفی¹، فاطمه بوستانی²، مسلم بازیار³

1- کارشناس ارشد، اداره آموزش و پرورش، فارس، شهرستان رستم

z76357814@gmail.com

09171246890

2- آموزگار ابتدایی، اداره آموزش و پرورش، فارس، شهرستان رستم

Bostanifateme784@gmail.com

09175201831

3- آموزگار ابتدایی، اداره آموزش و پرورش، فارس، شهرستان رستم

moslambazaear@gmail.com

09173267139

چکیده

طیف اوتیسم اختلالی نورولوژیک است که خودش را در سال های اولیه رشد کودکان نمایان می کند. این اختلال باعث مشکلاتی چون رفتارهای تکراری و کلیشه ای، نقص در مهارت های ارتباطی کلامی و غیرکلامی و رفتارهای اجتماعی می گردد. از آن جا که نا آرامی در بین کودکان در کلاس درس با مسایلی چون جابه جا شدن روی نیمکت، صحبت با نفر کناری، پشت سری و...، ایجاد صدا مانند ضرب گرفتن روی میز یا جامیز، ساییدن کف پا به زمین، نقاشی کردن روی میز، دفتر، کتاب و... مشخص می شود. اغلب این دانش آموزان فقط به صورت غیرارادی چیزی را شنیده و یادداشت می کنند، اما در حقیقت در رویای خود غوطه ور هستند. هر روز که از کوچه و خیابان های شهر گذر می کنیم آدم های زیادی با ویژگی های منحصر به فرد را می بینیم که گاه برخی از آنها بیش از سایرین توجهمان را جلب می کند؛ آدم هایی که نه به خاطر سرو صدایشان بلکه به سبب سکوت و گوشه گیریشان متمایز شده اند. آدم هایی که شاید در ظاهر ساکت و گوشه گیر باشند اما حرف ها و توانایی های بسیاری در سکوتشان پنهان کرده اند که فقط گوشه شنوا آن را درک می کند. اختلالاتی چون "اوتیسم" (در خود ماندگی) اختلالی است که زمینه ساز این تفاوت ها شده است، اختلالی که منشا بروز آن هنوز قطعی نیست اما روش های درمانی و آموزشی برای بهبود این اختلال راهگشا خواهد بود. مخصوصا اگر این اختلال با اختلالاتی چون نابینایی نیز همراه باشد مسئله بسیار بغرنج تر می گردد. آموزش مساله ای است که هر طیفی از جامعه باید از آن بهره مند شود اما برخی افراد به دلیل شرایط ویژه ای که دارند برای بهره گیری از شرایط نیازمند فضا و امکاناتی متفاوت تر هستند؛ از جمله این افراد کودکان و دانش آموزان نابینا و اوتیستیک می باشند که نسبت به سایر گروه های با شرایط ویژه، به دلیل عدم آگاهی کافی از شرایطشان مهجور واقع شده اند.

واژگان کلیدی: بیماری، اوتیسم، نابینا، اختلالات رفتاری، دانش آموزان.

1- مقدمه:

این پژوهش با هدف شناسایی و بررسی اختلالات رفتاری دانش آموزان نابینا- اوتیسم دوره ابتدایی انجام گردیده است که دانش آموزان دارای اختلالات رفتاری از قبیل شلوعی در کلاس درس و حیاط مدرسه و اذیت کردن دیگر دانش آموزان، حسادت، بی حوصلگی، لجبازی، تنبلی بود. با توجه به اطلاعات بدست آمده سوالات زیر در رابطه با اختلالات رفتاری دانش آموزان نابینا- اوتیسم در ذهن ما ایجاد گردید: 1- آیا اختلال اوتیسم و نابینایی، موجب اختلال رفتاری آنها شده است؟ 2- آیا اختلال اوتیسم و نابینایی، ناشی از فشارهای روانی است؟ 3- آیا تربیت غلط، موجب اختلال رفتاری شده است؟ 4- آیا به خاطر روابط غلط با آنها دچار خود پنداری منفی از خود شده اند؟ 5- آیا دچار کمبود محبت شده اند؟ 6- آیا با رفتارهای خویش می خواهند دیگران را به خود متوجه سازند؟ 7- چه راه حل هایی برای مشکل وجود دارد؟ برای گرد آوری اطلاعات روش های متعددی وجود دارد؛ با توجه به موضوع پژوهش، به نظر می رسد که ما مجبور باشیم از چند روش به صورت ترکیبی برای جمع آوری اطلاعات استفاده نماییم. در این پژوهش روش های مشاهده، مشاهده مشارکتی و مصاحبه را انتخاب نمودیم. اوتیسم را بیشتر می توان یک اختلال نورولوژیک که خودش را در سال های اولیه کودکی (3 سال آغازین کودکی) نمایان می کند، معرفی نمود. این اختلال در بیماران اوتیستیک باعث می شود که مغز نتواند در زمینه رفتارهای اجتماعی و مهارت های ارتباطی

به درستی عمل کند و مانع او برای یادگیری چگونگی ارتباط و تعامل با دیگران به طور اجتماعی می شود. کودکان و بزرگسالان اوتیستیک در زمینه ارتباط کلامی و غیر کلامی، رفتارهای اجتماعی و بازی های نمادین دارای مشکل می باشند. این اختلال در طبقه بندی ها به عنوان اختلال فراگیر رشد شناخته می شود، این پنج طبقه شامل پنج اختلال است که عبارتند از: اختلال اوتیسم، اختلال اسپرگر، اختلال فروپاشنده دوران کودکی، اختلال نافذ رشد که به گونه دیگر مشخص نشده است که هر کدام از این بیماری ها دارای معیارهای شناخت خاص خود هستند و توسط انجمن روانشناسی آمریکا مشخص شده اند. با توجه به اینکه اوتیسم یک اختلال محسوب می شود و معلولیت نیست اما باز هم به دلیل تعداد کم این دانش آموزان جز در مناطق شهری بزرگ، مدارس ویژه ای برای آنان در نظر گرفته نشده است. تاکنون به دلیل حضور دانش آموزان اوتیسمی با سایر گروه های دانش آموزان استثنایی این امکان فراهم نبوده اما با ورود محتوای آموزشی جدید، این مساله هم در دستور کار قرار دارد تا دوره آموزشی و مدارس ویژه تا پایان دوره متوسطه برای دانش آموزان اوتیسمی ایجاد شود. باید این موضوع را در نظر داشته باشیم که اوتیسم اختلالی مربوط به مسائل عاطفی است و معلولیت محسوب نمی شود و باید با تربیت نیروی تخصصی به روند بهبود آموزش ها کمک کرد. برنامه ریزی جامع برای دانش آموزان اوتیستیک جزسخت ترین برنامه ریزی های آموزشی است از این رو تامین اعتبارات بسیار ضروری است همچنین باید دستاوردهای پژوهشی قابل ارایه نیز در این حوزه بیش از پیش صورت بگیرد.

کودکان کم بینا در مراکز آموزشی از دیدگاه آموزشی و اجتماعی با چالش های بزرگی رو به رو هستند و تلاش آن ها برای گذراندن دوره های آموزشی در کلاس های فراگیر، بیشتر وقت ها به اندازه ای زیاد است که نمی توانند زمان و فعالیت ویژه ای برای یادگیری و رشد رفتارهای اجتماعی خود اختصاص دهند. حتی اگر این کودکان در مدرسه های ویژه آموزش می بینند، والدین و آموزگاران باید به آن ها برای اجتماعی شدن و حضور در محیط هایی که بیشتر افراد آن بینا هستند، یاری کنند. آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان نابینا و کم بینا، با آموزش به کودکان درخود مانده (اوتیستیک) یا دارای دیگر معلولیت ها تفاوت دارد، چون مشکل بزرگ این کودکان کمبود اطلاعات درباره ی نشانه های دیداری رفتارهای اجتماعی است. اما بیشتر افراد جامعه با پرهیز از برقراری ارتباط و گفت و گو با کودکان نابینا این مشکل را دو چندان می کنند.

2- بیان مسئله:

برداشت کودکان اوتیسم از جهان، با برداشت ما کاملا متفاوت است. بنابراین باید زمان بیشتر و تلاش روز افزونتر داشته باشیم تا بتوانیم تصویری از چگونگی شخصیت و درک احساسات آنها نسبت به پیرامونشان بسازیم. موثرترین روش برای شناخت کودک این است که مدت زمان کوتاهی را در ابتدای ملاقاتمان با او بگذرانیم و عکس العمل او را در یک موقعیت ملاحظه کنیم. سعی کنید وارد دنیای کودک شوید، نه اینکه او را وادار به انجام فعالیتی کنید که شما می خواهید. برای چند لحظه سعی کنید بفهمید او از چه چیزی لذت می برد. آنچه که او انجام می دهد ، شما هم تکرار کنید. به خاطر داشته باشید شاید او پیام های حسی مشابهی که شما دریافت می کنید را دریافت نکند و به خصوص در مورد انتقال توجهش از یک موضوع به موضوع دیگر مشکل داشته باشد. اگر شما می خواهید توجه او را جلب کنید، بهتر است قبل از شروع آموزش در مسیر نگاه او قرار بگیرید و بعد نامش را صدا بزنید. بعضی از کودکان اوتیسم، اگر شخصی ناگهان از پشت سر آنها بیاید یا آنها را صدا کند و از دنیای خودشان خارج سازد وحشت می کنند و عصبانی می شوند. اگر می خواهید توجه کودک را به چیزهای جدیدی جلب کنید به آنها ضربه بزنید و به جای صحبت کردن در مورد آن موضوع به آن اشاره کنید. اطلاعات نوشتاری یا وسایل بصری شاید بهتر از یک عبارت طولانی گفتاری توجه آنان را جلب کند. امتحان کنید تا بفهمید کدام راه جواب می دهد. برای بعضی از بچه ها استفاده همزمان از چند حس مشکل است، بنابراین اگر آنها در حال نگاه کردن به چیزی هستند، شاید نتوانند کلمه به کلمه به حرف های شما توجه داشته باشند. یکی از بچه ها ظاهرا به مکعب هایی که معلم با آنها در حال شرح دادن یک مساله ریاضی بود، هیچ توجهی نداشت اما هنگامی که معلم برای مدت کوتاهی صحبت خود را متوقف کرد، کودک خود را حرکت داد تا بتواند دید خوبی به مکعب ها داشته باشد و دوباره هنگامی که معلم شروع به صحبت کرد، نگاهش را برگرداند.

درباره دانش آموزان نابینا مریبان و والدین باید با الگو سازی رفتارهای مناسب اجتماعی و تدارک فرصت هایی برای تمرین و یادگیری، مهارت های اجتماعی این کودکان را تقویت کنند. برای نمونه، مریبان می توانند روش یادگیری مشارکتی (کارگروهی)، کمک اعضا به یکدیگر و مسئولیت پذیری برای به پایان رساندن کار) را بخش همیشگی فعالیت های کلاس قرار دهند.

3- ضرورت و اهمیت موضوع:

افت درسی و عدم پیشرفت تحصیلی، آینده شغلی کودکان اوتیسم و نابینا را تحت تأثیر قرار می دهد، همیشه ممکن است کارهای زیادی را شروع کنند، اما نیمه تمام رها کنند، در نتیجه طرح های ناتمام در بین کارهای آنها زیاد دیده می شود، فراموشکار هستند و به قرارهای کاری خود دیر می رسند و از دید دیگران این ها افرادی بدقول هستند. امکان ابتلا به اضطراب، افسردگی، اختلال سلوک، اختلال ایذایی مقابله ای، پرخاشگری و سایر اختلالات رفتاری در کودکان مبتلا به اختلال اوتیسم و نابینایی در صورت عدم مداخله مناسب زیاد است. رعایت نکردن نوبت، عدم رعایت قوانین بازی، عدم پیروی از دستورات، بر هم زدن نظم و رفتارهای تکانشی در این کودکان باعث می شود که ارتباط آنها با همسالان، والدین و بزرگ ترها تحت الشعاع قرار گیرد. آنها از جمع دوستان خود طرد می شوند و پیامهای منفی که مرتب از پیرامون خود دریافت می کنند، اعتماد به نفس این کودکان را لطمه می زند و آنها را مستعد افسردگی و اضطراب می کند. بنا به دلایل فوق و دلایل بی شمار دیگر، اختلال اوتیسم و نابینایی باید درمان شود هدف از درمان کاهش علائم این بیماری است تا حدی که کودک آشفته گی کمتری را در زندگی روزمره خود متحمل گردد و عملکرد تحصیلی و ارتباطی کودک بهبود یابد. درمان این وضعیت بیشتر بر اختلالات رفتاری همراه با اوتیسم و نابینایی موثرند و شامل درمان های شناختی، رفتاری و آموزش والدین می باشند. بدیهی آموزش والدین در مورد چگونگی بیماری فرزندشان، رفتارهای مثبت کودک، عدم بکارگیری شیوه های نامناسب تنبیهی و ... بسیار می تواند هم برای کودک و هم برای خانواده او موثر باشد.

روش هایی که در این پژوهش از آنها بهره گرفته شده، عبارتند از:

- 1 - مشاهده رفتار دانش آموز در موقعیت های مختلف
 - 2 - مصاحبه با خود دانش آموز و والدین او
 - 3 - اجرای پرسشنامه ای که در اختیار آموزگاران مختلف دانش آموز قرار گرفت
 - 4 - اجرای گروه سنجی در کلاس
- منابع کسب اطلاعات مورد نیاز به شرح زیر می باشد:
- خود دانش آموز
 - والدین دانش آموز
 - همکلاسی های او
 - آموزگاران دیگر دانش آموز.

4- مبانی و پیشینه موضوع:

4-1- تعریف اوتیسم:

اصطلاح گسترده ای است که برای توصیف گروهی از اختلالات عصبی تکاملی استفاده می شود که این اختلالات با تفاوت در ارتباطات و تعاملات اجتماعی مشخص می شوند.

4-2- انواع بیماری اوتیسم:

- 1- بدون همراهی اختلالات فکری
- 2- بدون اختلال زبانی
- 3- اختلال پزشکی یا ژنتیکی
- 4- اختلال عصبی، روانی یا رفتاری
- 5- همراه با کاتاتونیا که در آن بیمار درک درستی از محیط و اطرافیان خود ندارد.

4-3- انواع اختلال اوتیسم:

- 1- اختلال اوتیسم
- 2- اختلال اسپرگر
- 3- اختلال فراگیر رشد طبقه بندی نشده
- 4- اختلال از هم گسیختگی کودکی

4-4- علل بروز اوتیسم در دانش آموزان:

- * سابقه خانوادگی
- * جهش های ژنتیکی
- * فرزند آوری در سنین بالا
- * وزن کم هنگام تولد
- * قرار گرفتن در معرض فلزات سنگین و سموم محیطی
- * سابقه عفونت های ویروسی و ...

4-5- آسیب بینایی:

یک نوع کاهش دائمی یا فقدان توانایی دیداری در فرد است که به عنوان یک ناتوانایی اولیه شناخته می شود و این ناتوانی ابتدا خود را در فرد نشان می دهد. آسیب بینایی و اوتیسم در کودکان بسیار اندک رخ می دهد اما در صورت بروز آن در کودکان کار برای افرادی که با این کودکان برخورد و رفتار می کنند بسیار دشوار است زیرا تقریباً تمامی راهای درمان این نوع کودکان از بین می رود.

4-6- رشد و گسترش موانع در کودکان دارای آسیب بینایی و اوتیسم:

موانع رخ داده در این کودکان از معیارهای موجود در کودکان دارای آسیب بینایی پیروی می کند. این امر در حدود یک سوم از کودکان بدون توانایی دیدن اشکال و در نسبتی کوچکتر از آن در افراد دچار آسیب های شدید بینایی تشخیص داده می شود. این موانع شامل موارد ذیل می باشد:

- توقف در پیشرفت
- از دست رفتن مهارت های کسب شده
- ایجاد رفتارهای غیر عادی

4-7- فاکتورهای خطرهای خطرهای اوتیسم:

- هرگونه اختلال سبب نابینایی
- ناتوانی در دیدن اشکال
- شیوع در مردان
- تعداد بالای آسیب های مغزی
- احتمالات محیط روانی و اجتماعی

4-8- شناسایی دانش آموزان مبتلا به اختلال اوتیسم و نابینایی:

ابتدا رفتارهای دانش آموزان را زیر نظر گرفتیم و به دقت مشاهده می کردم. وقتی برای اولین بار به کلاس های درس رفتم از دانش آموزان خواستم خودشان را معرفی نمایند. دانش آموزان با همدیگر دعوا می کردند و دانش آموزان دائماً از همدیگر شکایت می کردند. نظم کلاس ها را بر هم می زدند و در چنین محیطی آموزش امکان پذیر نبود. ابتدا احساس کردم شاید ضعف از من و معلمان باشد که دانش آموزان این چنین می کنند به همین علت در زنگ تفریح در رابطه با این مورد از معلمان دیگر سوال کردم گفتند که از اول این چنین بوده است ولی چون اختلال اوتیسم و نابینایی دارند بهتر است که به حال خودشان رهاشان کنید. با دو تن از همکاران با سابقه در این زمینه مشورت کردیم اینها نیز راهنمایی های لازم را عرضه داشتند. بعد به دنبال کتاب های روانشناسی اختلال های رفتاری، روانشناسی رشد، روابط انسانی در آموزشگاه و اصلاح رفتار تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته بود مورد مطالعه قرار دادیم تا بینم مشکل را چگونه می توانیم حل نماییم. در واقع ما خودمان را چگونه تغییر دهیم تا رفتارهای دانش آموزان تغییر کند. آنها دانش آموزانی هستند که رفتارهایشان مغایر با مقررات کلاس و مدرسه می باشد. از جمله اطلاعات بدست آمده در زیر ارائه می گردد:

- 1- دانش آموزان دارای اختلال اوتیسم هر روز دانش آموزان دیگر را مسخره می کنند.
- 2- هر روز با دانش آموزان دعوا می کنند.
- 3- مشکل احساس اوتیسم و نابینایی می کنند.
- 4- معلمان به تفاوت های فردی شان توجه نکرده اند.
- 5- در خانه و مدرسه بد اخلاق هستند.

دانش آموزان در فعالیتهای بخصوصی عادت کنند و انتظار را داشته باشند اتفاقی رخ دهد. بعضی روش ها:

- 1- تطبیق های اجتماعی و ارتباطات: کار عملی اغلب، شامل عمل متقابل دانش آموزان با یکدیگر است. اگر افراد زیادی در یک مدت زمان کوتاه اطراف آنها باشند و آنها را ببینند مشکلات ارتباطی دانش آموزان ما و احتمال تحت فشار قرار گرفتن آنها وجود دارد، که نیاز به بهبود برنامه ریزی و بعضی تطبیق ها دارد. برای مثال، قبل از شروع کار، دستیار معلم می تواند برای دانش آموز یک سری برخوردهایی را که شاید با دیگران داشته باشد و نیاز به یادگیری آنها دارد، برای او برنامه ریزی کند، مانند پرسش در مورد وسایل یا پرسیدن سؤالاتی در مورد جمع آوری اطلاعات یا عقاید که می توان آنها را نوشته یا تایپ کرد و به آسانی در دسترس دیگر دانش آموزان قرار داد. وقتی همکلاسیانشان سؤالاتی از آنها می پرسند، به جای اینکه آن را تایپ کنیم و بلند از روی آن بخوانیم، همکار معلم یا دیگر دانش آموزان می توانند انتخابهایی را بنویسند که آنها تنها می توانند به جواب مورد نظرش اشاره کنند.
- 2- تطبیق های حسی و حرکتی: بعضی از فعالیتهای باعث اضطراب دانش آموزان می شود، زیرا دیگر دانش آموزان و تعدادی از افراد که با آنها در تماس هستند، مجبورند اطراف آنها حرکت کنند، در حالی که آنها احساس راحتی نمی کنند. توانایی دانش آموزان را برای نسخه برداری مشاهده و چک کنید و اگر نیاز است، از بعضی روش ها مثل اجازه دادن به دانش آموزان برای کار در یک بخش آرامتر کلاس و محدود کردن تعداد افرادی که در هر زمانی، اطراف آنها حرکت می کنند، استفاده کنید.
- 3- تطبیق دادن او برای استفاده از وسایل: اگر انجام کار نیاز به استفاده از وسایلی داشت، بعضی سازگاریها و تطبیق ها نیاز می شود. اجازه دادن به دانش آموزان برای کار در یک گروه کوچک یا دو نفری، دانش آموزان اوتیسمی را قادر می سازد تا بدون تنظیم دقیق وسایل دستی از آنها استفاده کنند.
- 4- تخمین زدن: قبل از اینکه دانش آموزان اندازه گیری کنند، روش دیگری است که دانش آموزان می توانند با آن مشغول شوند و مهارت مفیدی برای آموزش است. در چنین موقعیتی، دانش آموزان مجبور هستند همه دانش مطلوب را برای اندازه گیری نمایش دهند، و تنها قسمتی که آنها کامل نکرده اند، کشیدن خط به وسیله خط کش است. مراحل مشابه، هنگام استفاده از نقاله یا دیگر وسایل اندازه گیری دنبال شوند.

4-12- وسایل هماهنگ کننده در دانش آموزان دچار اوتیسم و نایبایی:

اغلب اوقات بچه های دارای مشکل اوتیسم و نایبایی با وسایل دست ساز مشکل دارند. بعضی از این مشکلات از جانب مسائل حرکتی آنها ناشی می شود. بنابراین، در تغییر دادن موقعیت اشیاء و قراردادن دقیق آنها در مکان مورد نظر برای آنها مشکلات زیادی به وجود می آورد. برای مثال، این مسأله در استفاده از وسایل اندازه گیری مشکل ساز می شود.

مشکلات دیگری در ایجاد تناسب بین بعضی از اشیاء پیش می آید، و باعث می شود که دانش آموز پیوسته حرکات را تکرار کند. وقتی چنین مشکلی رخ می دهد، اغلب اوقات آنها دیگر قادر نیستند که توجه خود را روی دیگر قسمتهای کار متمرکز کنند. دانش آموز دیگری که با معلم در یک گروه بخوبی کار می کرد، عاقبت نمی توانست چند تکه چوب را که معلم در دست داشت بگیرد و با وجود تلاش بسیار زیاد او برای کنترل خود و میل مفرطش برای بازی با چوبها، نتوانست خود را از انجام این کار منصرف کند.

نکته ای که در این مرحله به آن پی می بریم، این است که دانش آموزان اوتیسم و نایبایی شاید در کنترل و استفاده از وسایل هماهنگ کننده مشکل داشته باشند. از این رو، شاید برای آنها استفاده از این وسایل به منظور آموزش مفاهیم خاص مفید نباشد. دانش آموزی که از جستجوی مواد خاصی در یک بازی آزاد لذت می برد، می توان به او اجازه داد تا در پایان تنظیم کارش آن را انجام دهد. آیا وسایل هماهنگ کننده می توانند مفید باشند؟ شواهدی وجود دارد که نشان می دهد، دانش آموزی که با وسیله دست ساز بخصوصی آشنایی زیادی دارد، شاید قادر باشد به طور سودمندی از آن استفاده کند، بویژه اگر کمک مهمی به او شده باشد. اکنون این سؤال پیش می آید که آیا این زمان که دانش آموز صرف شناخت اشیاء می کند، ارزشمند است یا اینکه وقت کمتری برای شروع یک مفهوم باید در نظر گرفته شود. تکه وسایلی که ارزش کاربردی دارند، از قبیل پول و خط کش احتمالاً ارزش این را دارند که وقت زیادی صرف آنها کرد. آیا بعضی از وسایل و اشیای هماهنگ کننده بهتر از دیگران هستند؟ به تجربه به ما ثابت شده که دانش آموزان قادرند از اشیای دو بعدی، آسانتر از شیای سه بعدی استفاده کنند. کارتها و نمودارها می توانند وسایل آموزشی خیلی مفیدی برای دانش آموز باشند. بسیاری از دانش آموزان قادرند که کارتها را در جای خود قرار دهند و یا در پاسخ خود به آنها اشاره کنند. اما وقتی که از آنها می خواهیم کار مشابهی را با

اوتیسم این قوانین یک مبارزه پایان ناپذیر است. حسی که آنها در آن زمان دارند، ناتوانی برای پاسخ گویی، ناتوانی برای متوقف کردن پاسخی که می دهند، همه و همه دلایلی برای رفتار نامناسب اجتماعی هستند که آنها را بی علاقه نشان می دهد.

4-14-4- آموزش مهارت های اجتماعی:

کودکان اوتیسم اغلب مشکلات عدیده ای در برخورد های اجتماعی دارند که بیشتر آنها را بدیهی می دانیم. این کودکان تجربه بسیار متفاوتی از دنیا نسبت به افراد دیگر دارند، بنابراین خیلی تعجب آور نیست که عمل ها و عکس العمل های دیگر افراد اغلب برای آنها به صورت یک راز خودنمایی می کند. وقتی ما در موقعیت های اجتماعی قرار می گیریم، به شدت به تجربیات خودمان وابسته هستیم برای اینکه تصمیم بگیریم در این موقعیت چگونه عمل کنیم و به دیگران پاسخ دهیم، این تجربه یی به اشتراک گذاشته شده، اساس توانایی احساس ما و درک دیگران است. برای کودکانی که اندام و حواسشان به طور بسیار متفاوتی پاسخ می دهد، تعجب آور نیست که اغلب به طور نامناسبی عکس العمل نشان دهند. این کودکان اغلب در مورد تفاوت های ظریف حالات چهره یا عکس العمل های دست و پا به هنگام صحبت کردن آگاهی ندارند. حرکاتی که باعث می شود ما در عکس العمل هایمان در برخورد با دیگران از آگاهی خوبی برخوردار باشیم. عکس العمل افراد اوتیسم اغلب اوقات غیر قابل بررسی یا بی ادبانه به نظر می رسد. به هر حال افراد اوتیسم اغلب برای برقراری ارتباط و برخورد تمایل دارند و عقب نشینی یا فقدان پاسخ از طرف اشخاص آنها را گیج یا ناراحت می کند.

4-14-5- کودک اوتیسم نیاز به آموزش دارد:

افراد عادی در مورد چگونگی برخورد با دیگر افراد، از محیط به طور غیر مستقیم چیزهای زیادی یاد می گیرند. اما برای کودک اوتیسم، آموزش باید به طور مستقیم باشد تا یاد بگیرد چگونه رفتارهای لازم را انجام دهد. البته کار مشکلی است که ما همه ی ظرایف قوانینی که در دنیای اجتماعی وجود دارد را به آنان یاد بدهیم. به هر حال ما نیاز داریم این قوانین را به صورت واضح و ساده برای او هجی کنیم و اگر نیاز باشد برای او بنویسیم. به بچه های کوچکتر کمک کنیم تا از شرکت در صحبت ها و کارهای دیگران لذت ببرند. بهترین موقع برای این که به بچه ها کمک کنیم تا لذت برقراری ارتباط و دوستی با دیگر افراد را تجربه کنند، زمانی است که آنها بسیار کوچک هستند. برای بعضی از بچه ها تنها راه برقراری ارتباط این است که سعی کنیم به همان کاری که انجام می دهند، مشغول شویم. مثلا شما باید کنار آنها خم شوید و برگ های پاییزی را با هم به صدا درآورید، یا یک روبان را بتابانید. به هر حال برای کودکی که به ندرت در مورد وجود دیگران شناخت دارد، یک نگاه گذرا بهتر از هر پاداشی می تواند باشد. برای این باید دقت کنیم تا با گفتارمان به این کودکان فشار وارد نکنیم و مکان ساکتی انتخاب کنیم تا حواس آنها بار اضافی بیش از فعالیتی که انجام می دهند، را تحمل نکنند. وقتی فرد اوتیسم به یک گروه ملحق می شود، بهترین کار این است که به او اجازه دهیم تا در یک زمان با یک کودک برخورد داشته باشد. این تماس باید کوتاه و در صورت نیاز ساختار بندی شده باشد. به کودک برای تشخیص و شناسایی احساسات کمک کنید.

اغلب اوقات کودکان اوتیسم احساس دیگران را تشخیص نمی دهند یا حتی احساسات خودشان را درک نمی کنند. بعضی از بچه ها در نظم دادن به احساسشان مشکل دارند و عکس العمل مثبت یا منفی یا حتی نمایش احساس متضادی با آنچه که شما انتظار آن را دارید نمی توانند بدهند. برای بچه های بزرگتر از تعدادی فعالیت هایی که به آن ها برای یادگیری و تشخیص احساسشان کمک کند باید استفاده کرد. برای انجام کار می توان از تصاویر و فعالیت های سودمند استفاده کرد. کار در جلو آینه که معلم با صورت خود شکل های ناراحتی، شادی یا عصبانیت را نشان می دهد و بچه را به انجام چنین بیان هایی تشویق می کند، در کمک به آنها برای فهم تغییرات در قسمت های مختلف صورت مفید است.

4-14-6- تمرین موقعیت های اجتماعی متداول:

برای کودکان تمرین موقعیت های اجتماعی متداول، مانند ملاقات با افراد جدید و پرسش از دیگر بچه ها برای دوستی با آن ها مفید است مانند موارد دیگر، روشهای گفتاری در مورد رفتار با کودک اوتیسم خیلی موثر نیست. بعضی از بچه ها در موقعیت های بازی در یک نقش خوب پاسخ می دهند. ویدئو هم ابزار مفیدی برای کودک است تا عملکرد خودش و دیگران را به صورت های دیگری ببیند. تعریف کردن یک داستانی که برای کودک موقعیتی را توصیف می کند و احساسات شخصیت ها را توضیح می دهد، می تواند کمک مناسبی برای فهمیدن این موضوع

باشد که چرا دیگران این گونه عمل می کنند و چه کارهایی مناسب است تا در این موقعیت انجام دهد. تاکید بر روی آنچه که کودک باید انجام دهد و آنچه که اشتباه انجام داده است.

کودکان اوتیسم اغلب به انتقاد حساس هستند در برابر آن خیلی مضطرب می شوند و در چنین مواقعی تمرکز کمتری در کارشان دارند، به همین دلیل به توضیحات شما گوش نخواهند داد. پس سعی کنید مثبت باشید و دانش آموزان اوتیسم را در مورد اینکه چه کاری باید انجام دهند راهنمایی کنید و تا حد امکان از انتقاد بپرهیزید.

4-14-7- تمریناتی جهت ارتباط با کودکان نابینا:

- چند نفر از دانش آموزان را به عنوان راهنما با دانش آموز نابینا همراه کنید. به افراد راهنما آموزش دهید که الگوهای رفتاری مناسبی را تکرار، و به هم گروهی خود برای تغییر برخی رفتارهای ویژه یاری کنند. این روابط باید برپایه ی همکاری دو جانبه برنامه ریزی شود تا به احساس نیاز و وابستگی نیانجامد. عضو نابینا می تواند در کارهایی همچون انجام تکلیف ها به هم گروهی خود کمک کند. گاهی تعویض راهنماها نیز سبب یادگیری رفتارهای مختلف می شود.
- از دانش آموزان بخواهید پس از شنیدن گفت و گوی چند دوست نوجوان، در یک بحث گروهی راه هایی برای وارد شدن به این گفت و گو در زمان مناسب را پیشنهاد دهند و آن ها را اجرا کنند. سپس از دانش آموز نابینا بخواهید چند نقش متفاوت بازی کند.
- از دانش آموزان بخواهید با بازی هایی مانند پانتومیم و خواندن آواز با حرکات مختلف، ارتباط بدون گفت و گو برقرار سازند. دانش آموزان نابینا که سن بالاتری دارند نیز می توانند در گروه های نمایش و سرود شرکت کنند. افراد راهنما در گروه می توانند با نشانه های شنیداری دوست شان را برای انجام حرکت های مناسب بدن و چهره راهنمایی کنند.
- از همه ی دانش آموزان بینا و نابینا بخواهید که پنج گونه از فعالیت های مورد علاقه شان در اوقات بیکاری را نام ببرند. پس از مقایسه ی فعالیت ها، در یک گفت و گوی کلاسی از دانش آموز نابینا بخواهید فعالیت دلخواه خود و چگونگی یادگیری آن را توضیح دهد. سپس، افراد علاقه مند به یادگیری آن فعالیت را به همکاری با او فرا بخوانید. والدین می توانند از روش های زیر برای آموزش رفتارهای اجتماعی به کودک نابینا یا کم بینای خود بهره بگیرند:
- کودک کم بینا را تشویق کنید به بررسی بخش های مختلف خانه، مدرسه و جامعه پردازد و بر کار او نظارت داشته باشید. این کودک باید در همه فعالیت ها شرکت کند و با کودکان عادی در موقعیت های مختلف ارتباط داشته باشد.
- بیان کودک را برای توصیف حس خود در حضور دیگران، تقویت کنید. کودک کم بینا باید در گفت و گوها به خوبی از گنجینه ی واژگان خود بهره بگیرد.
- به کودک خود آموزش دهید که چگونه به دیگران احترام بگذارد و با ادب باشد. با وجود دشواری درک بعضی موقعیت ها بدون دیدن آن ها، درباره ی اهمیت همزیستی و همکاری با افراد جامعه با او حرف بزنید و بر کارش نظارت داشته باشید. این کودک باید در همه ی فعالیت ها شرکت کند.
- بهتر است پیش از قرار گرفتن در موقعیت ویژه، کارهای لازم را با او به شکل نمایشی تمرین کنید.
- از آن جا که حالت چهره در روابط اجتماعی بسیار مهم است، از کودک خود بخواهید حالت های مختلف را در چهره اش نشان دهد و احساس خود را درباره ی آن ها بیان کند. با تفهیم اهمیت این حالت ها در روابط اجتماعی، برای استفاده ی مناسب از آن ها او را راهنمایی کنید.
- دانش آموزان کم بینا نیز مانند دیگر کودکان دوست دارند در جمع پذیرفته و در گروه ها عضو شوند و دوستانی داشته باشند. آموزش رفتارهای اجتماعی به کودکان نابینا و کم بینا، با توجه به ویژگی های فردی در یادگیری، باید در موقعیت های واقعی و با کمک دیگر دانش آموزان علاقه مند به همکاری در گروه، انجام شود.

4-15- مولفه های اثرگذار در بروز رفتار های نامطلوب دانش آموزان اوتیسم:

الف- مسائل خانوادگی: خانواده نخستین گروهی است که به صورت طبیعی وجود داشته و جامعه بر آن بنا شده است. چگونگی و کیفیت عملکرد خانواده در تحقق وظایف خویش شاخص مناسبی جهت ارزیابی عملکرد جامعه می باشد. هر چه خانواده دارای عملکرد خوب و سالم تری باشد به همان نسبت ثبات و سلامت جامعه بیشتر تأمین شده است و بر عکس هر چه خانواده از عملکرد بدتر و آشفته تری برخوردار باشد، به همان نسبت جامعه بیشتر تهدید شده است. زیرا اختلال در عملکرد خانواده نشانه اختلال در منظومه خانواده است که خانواده را به سمت فروپاشی سوق می دهد. کودکان و نوجوانان قربانیان اصلی عملکرد نامطلوب خانواده می باشند. فریاد می گوید بیشترین

افراد ناسازگار و مساله دار، وابسته به خانواده های آسیب دیده هستند و فرزندان که مربوط به خانواده های پر کشمکش می باشند به سبب عدم برخورداری از آرامش روانی و عدم تمرکز و آشفتگی بیشتر در معرض رفتار ناسازگارانه و بزهکارانه قرار دارند.

بررسی ها نشان می دهد که عملکرد بد و نامناسب خانواده مهمترین عامل در پیش بینی بزهکاری نوجوانان است. برای مثال طبق تحقیقاتی که در فرانسه به عمل آمده 80 درصد اطفال بزهکار از خانواده هایی هستند که به علت نفاق و ناسازگاری وعدم تفاهم بین افراد، محیط خانوادگی آنان دائما متشنج است (تاج زمان دانش، 1384). تحقیقات انجام شده در کانون های اصلاح و تربیت کشور ایران نیز موید این موضوع است. بطوریکه 65 درصد اطفال کانون با پدر و مادر خود اختلاف نظر و تضادهای فکری و ذهنی داشته اند و این اختلافها انگیزه عصیان و بزهکاری آنان بوده است.

بطور کلی حاکم بودن روابط مطلوب در درون خانواده رشد ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی فرزندان را امکان پذیر می سازد و مهمترین گام در پیشگیری از به انحراف کشیده شدن آنها است. عملکرد نامطلوب خانواده موجب آشفته شدن روابط عاطفی بین اعضای خانواده می شود در نتیجه در یک دور باطل از تعاملات پیچیده زمینه بروز برای مشکلات روانی و رفتاری بیشتر و شدیدتر خواهد شد. اساسا نقشهای خانوادگی زمانی به موثرترین شکل تحقق می یابد که در برگیرنده تمام کارکردهای ضروری خانواده باشند و بطور عادلانه بین اعضا تقسیم شود و همچنین درباره انجام وظایف اعضا پی گیری مستمری انجام گیرد، در خانواده های نوجوانان بزهکار به خاطر از هم گسیختگی و غفلت خانوادگی تخصیص نقشها در خانواده به درستی صورت نمی گیرد والدین دچار غفلت شده و به مسائل تربیتی، تحصیلی، اقتصادی و تفریحی کودکان و نوجوانان اهمیت نمی دهند و آنها را به حال خود رها کرده و فرزندان بیشتر به اجتماع و گروههای همسالان روی می آورند و نظارت والدین بر روی آنها کم می شود.

اصولا وجود مهر و محبت در کانون خانواده به تقویت ایمان، تلقین ارزشهای اخلاقی و به وجود آمدن خودپنداری مثبت در نوجوانان کمک می کند و اثر مهمی در رفتار نوجوانان دارد، همچنین ایجاد روابط صمیمی در خانواده محیطی مناسب جهت طرح مشکلات و مسائل نوجوانان و وسیله ای مناسب برای تسکین ناراحتی های دوران بلوغ است (جوادی، 1387).

ب- رشد جسمانی و روانی: گروهی از صاحب نظران علوم رفتاری نظیر فروید و لورنز معتقدند که پرخاشگری یک رفتاری است که ریشه در ذات و فطرت انسان دارد. این دو معتقدند که پرخاشگری به عنوان یک نیروی نهفته در انسان دارای حالت هیدرولیکی است که به تدریج در شخص متراکم و فشرده می شود و سرانجام نیاز به تخلیه پیدا می کند. به نظر لورنز اگر چنین انرژی به شکل مطلوب و صحیح مثلا در طرق ورزش ها و بازیها تخلیه شود جنبه سازندگی خواهد داشت. در غیر اینصورت به گونه ای تخلیه میشود که مخرب خواهد بود و ممکن است اعمالی از قبیل قتل، ضرب و شتم، تخریب و نظایر آن را در برداشته باشد. از نظر فروید پرخاشگری در انسان نماینده غریزه مرگ است که در مقابل غریزه زندگی در فعالیت است، یعنی همچنان که غریزه زندگی ما را در جهت ارضای نیازها و حفظ هدایت میکند غریزه مرگ به صورت پرخاشگری می کوشد به نابود کردن و تخریب کردن بپردازد این غریزه چنانچه بتواند دیگران را نابود می کند و از بین میبرد و اگر نتواند دیگران را هدف پرخاشگری و تخریب خود قرار دهد به جانب خود متوجه شده و به صورت خودآزاری و خود کشی جلوه گر می شود، بنابراین از نظر وی پرخاشگری حالتی مخرب و منفی دارد (اکبری، 1371).

عطا پور (1379) استدلال می کند که یکی از عواملی که در خود پنداری فرد مؤثر است مدرسه می باشد. با توجه به تحقیقی که در مورد رفتار معلم و خودپنداری صورت گرفته، نشان می دهد که بین رفتار معلم و خود پنداری دانش آموزان رابطه ی معنی داری وجود دارد. و دانش آموزان پسر به یک اندازه از رفتارهای آشکار و نهان معلم متأثر می شوند. بر اساس تحقیق روحانی (1359) بین گرایش به مدرسه و پیشرفت تحصیلی رابطه ای معنی دار بوده و میزان همبستگی $r = 0/6$ می باشد. یافته های خلیلی (1385) نشان می دهد که معلمین با ارائه بازخورد های مثبت، بیان انتظارات بالا، برقراری تعامل بیشتر با دانش آموزان، خود پنداری مثبت دانش آموزان را متأثر می سازند. بنابر این تجارب کودکان و نوجوانان در خانواده، مدرسه، همسالان همگی در روابط انسانی و خودپنداری نقش دارند.

ج- ناکامی: گرچه پاسخ افراد نسبت به ناکامی بسیار متفاوت است زیرا عوامل ناکام کننده و شخصیت فرد ناکام شونده دامنه بسیار گسترده ای دارند در مجموع میتوان گفت که پاسخ ناکامی پرخاشگری یعنی رفتار دشمنانه و تند به هنگام عدم سازگاری با موفقیت در این رفتار در زندگی روزمره ارتباط بسیار نزدیک با ناکامی دارد مثلا کودکی که از بازی کردن منع میشود در اثر خشم اخم می کند یا پاهای خود را بر زمین می کوبد. چیزی که ثابت شده است این است که ناکامی پرخاشگری را افزایش می دهد پرخاشگری می تواند ناکامی های فشرده را رها سازد و نوعی تسکین موقتی برای فرد مزاحم آورد اما پایان آن معمولا رضایت بخش نیست به هنگام مواجه شدن با ناکامی باید آنا به

صورت یک مساله مطرح کرد و به دنبال آن راه چاره افتاد. پرخاشگری ممکن است مستقیماً خود مانع را هدف قرار دهد (فرقان رئیسی، 1376). جان والر و همکارانش فرضیه پرخاشگری در کلمه پاسخ به ناکامی را ارائه نمودند که در آن پرخاشگری همیشه در پی ناکامی خواهد بود. این افراد مانند فروید پرخاشگری را در حکم عامل تصفیه می دانستند پیداست که فرضیه ناکامی پرخاشگریها می توانند واکنشی در برابر ناکامی باشد اما عوامل دیگری نیز می تواند در پرخاشگر بودن یا نبودن یک کودک موثر باشد افزون بر آن ناکامی یا سایر تحریکهای عاطفی همیشه موجب پرخاشگری نمی شود.

5- ارائه راهکارها و پیشنهادات:

- 1- محبت به موقع و متناسب به فرزندان و دانش آموزان، موجب کاهش اختلالات رفتاری می شود.
- 2- توجه به موقع، محبت، تقویت نکات مثبت، پرورش اعتماد به نفس، موجب نگرش مثبت فرد نسبت به خود و دیگران می شود.
- 3- ایجاد انگیزه و ایجاد نگرش مثبت فرد نسبت به خود و معلم و دیگران موجب بهبود وضعیت تحصیلی و رفتاری فرد می شود.
- 4- بین فرزندان نباید تبعیض قائل شد.
- 5- بهتر است برای شناسایی و رفع مشکل از راهنمایی های صاحب نظران استفاده گردد.
- 6- بهتر است برای رفع مشکل، نظریه های علمی و تحقیقات گذشته مورد توجه قرارگیرد تا دارای اعتبار باشد.
- 7- استفاده از روان شناسان و مشاوران

6- نتیجه گیری:

در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بنا به دلایلی مانند عدم تجهیزات و امکانات آموزشی، نبود فضای آموزشی مطلوب، تحمل کم برخی از معلمان، عدم پذیرش و درک شرایط دانش آموزان دچار اختلال اوتیسم و ... این دانش آموزان در معرض مشکلات و نابهنجاری های گوناگونی قرار گرفتند که لازم است با به کارگیری راه حل های مطلوب مانند محبت به موقع، توجه به موقع، ایجاد انگیزه، عدم تبعیض و ارتباط دو طرفه مناسب با نظارت معلمان و والدین دانش آموزان دچار این اختلالات بر کارها و فعالیت های آنان در مدرسه و محیط بیرون از آن نظارت شود و سعی کنیم ارتباط دوستانه و صمیمانه ای با آنها برقرار کنیم و این دانش آموزان را برای آنان ارزش و احترام قائل شویم که دچار کمبود توجه و بی اهمیت بودن، تنبلی، بی نظمی، گستاخی و ... نشوند بلکه با هدایت و مشاوره و برنامه ریزی مناسب سبب کاهش این اختلالات و رفع اختلال اوتیسم در آنها شویم.

منابع و مراجع:

- 1- اکبری، محمد. 1371. مبانی تحقیقات تجربی. چاپ اول. انتشارات المپیک ورزش.
- 2- ریسی، اقبال. 1376. عملی پژوهش درعمل. چاپ ششم. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- 3- خلیلی، بهروز. 1385. روان شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی. چاپ هشتم نشر قومس.
- 4- روحانی، مصطفی. 1359. درمان اختلالهای خواندن. تهران. انتشارات خلاق.
- 5- عطاپور. 1379. نارسایهای ویژه در یادگیری. تهران. انتشارات مکیال.
- 6- جوادی، حسن. 1387. اختلالهای یادگیری (ازنظریه تا عمل). تهران. نشر ارسباران.
- 7- زمان دانش، خسرو. 1384. مهارت پژوهشگری درآموزش.